

وای من بی عابدی

شمیم الحق صدیقی*

بعد از دریافت دانشنامه کارشناسی در زبان و ادبیات فارسی با رتبه اول در دانشگاه، برای ادامه تحصیلات در کارشناسی ارشد فارسی در دانشگاه دهلی پذیرش گرفتم. علاوه بر استادان دیگر با استاد سید امیر حسن عابدی برای اولین مرتبه سرکلاس ملاقات کردم. استاد با چهره خندان وارد کلاس شدند. نجابت و شرافت از سیمایشان می‌بارید. ایشان شخصی خوش محضر، پاکیزه منظر، نکته‌پرداز و شیرین لهجه بودند. درحالی‌که من تنها دانشجوی کلاس بودم، ایشان طوری به صدای بلند درس می‌دادند که گویی کلاس پر از دانشجو است. پروفیسور عابدی در دوره دکتری هم استاد راهنمای من بودند. از محضرشان خیلی استفاده کردم. روزی در محفلی درباره من اظهار نظر کردند:

”ایشان اینجا (هند) مانده و لیاقتی را حاصل کردند که مردم سالها در ایران مانده و نمی‌کنند.“

نظرشان برای بنده مایه فخر و مباهات است چون تا آن موقع هنوز به ایران نرفته و فارسی را همینجا یاد گرفته بودم. اخیراً به‌فرمایش رایزن محترم فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران جناب آقای دکتر کریم نجفی برزگر و رئیس محترم مرکز تحقیقات فارسی جناب آقای دکتر علی‌رضا قزوه جزوه‌ای شامل ده مقاله از پروفیسور عابدی را ویرایش می‌کردم و برای آن به‌زندگینامه استاد احتیاج داشتم. پس روزی در اداره میکروفیلم نور به‌مدیریت آقای خواجه‌پیری با استاد عابدی ملاقات کردم و درباره

* دانشیار بازنشسته فارسی کالج ذاکر حسین دانشگاه دهلی، دهلی.

احوال زندگی شان پرسیدم. گفتند: «به «عابدی‌نامه» رجوع کنید». در آن کتاب استاد تحت عنوان «درباره خود» به زبان اردو نوشتند که ترجمه اقتباسی از آن بدین قرار است:

«من پسر مهتر یک مادر فقیر (طاهره بی بی) و پدر (سید شبیر حسن) در اوّل ژوئیه ۱۹۲۱ م در گنگولی واقع در بخش غازی پور چشم به جهان گشودم. مادر بزرگ من مرا بزرگ کرد. پدر من خیلی دلش می‌خواست که من تعلیمات دینی و دنیوی هردو را حاصل بکنم و نیز آرزو داشت که علاوه بر عربی، فارسی و انگلیسی در سانسکریت هم دانشور بشوم»^۱.

من عربی و فارسی را در مدرسه چشمه رحمت (غازی پور)، سلطان‌المدارس (لکهنؤ) و کالج جوادیه عربی (بنارس) یاد گرفتم. علاوه بر این از محضر استادان بزرگ هم استفاده کردم. فرنگی محلّ (لکهنؤ) مرکز منطق و فلسفه بوده است. آنجا از آقای مولانا عنایت الله و آقای مولانا صبغت الله درس یاد گرفتم. جمال میان یکی از رفقای من بود. با آقای مولانا حسرت موهانی فقط یک مرتبه ملاقات کردم وقتی که ایشان بعد از حج و زیارت به ملاقات مولانا صبغت الله آمدند. از میان استادان دیگر من عبارت بودند از آقای مولانا علی نقی برادر کهتر شمس‌العلماء مولانا سبط حسن و آقای مولانا ابن که به آقای راجای محمودآباد و آقای امیر حیدر خان وغیرهم درس می‌دادند.

هنگام اقامت من در لکهنؤ شادروان مولانا سید ابن حسن نونهروی و همسرشان عابده بی بی که خاله همسر من بود، مرا تربیت کردند. آقای مولانا، خطیب بزرگ وقت بودند. نیز امرا شعرا و ادبا از هر گوشه و کنار کشور به ملاقات‌شان می‌آمدند. با آقای فائز پسر نوه حضرت آرزو و انیس در منزل خودشان ملاقات کردم. همچنین علم و عروض را از برادر مهتر آقای آرزو یاد گرفتم.

بعد از آموختن عربی و غیره، در کالج سنت جانس پذیرش گرفتم. آنجا استاد من آقای مولانا حامد حسن بود. آن وقت رئیس کالج آقای تی.دی. کائِن سُلّی (D.T. Canon Sully) و معاون رئیس آقای مهاجن بودند. به راهنمایی ایشان بود

۱. عابدی‌نامه، ص ۳-۱۱.

که دکتری را به پایان رساندم. از سال ۱۹۴۵ م شروع به تدریس اردو و فارسی در کالج سنت استفنس (دهلی) کردم. اینجا رئیس کالج آقای راجا رام، یاریگر من بودند که در هنگام پراشوب ۱۹۴۷ م (یعنی تقسیم هند) مرا در منزلشان پناه دادند. به عنایت رئیس گروه فارسی دانشگاه دهلی پروفیسور منظور حسین موسوی، سفیر وقت ایران در هند، آقای علی اصغر حکمت، به آقای مهاجنی توصیه نمودند که مرا برای اعزام به ایران مرخص کنند. سپس از دانشگاه تهران دکترای ادبیات فارسی را گرفتم. در سال ۱۹۵۷ م از کالج سنت استفنس به دانشگاه دهلی آمدم و مرا به عنوان اولین استاد فارسی منصوب نمودند. من سانسکریت که خوب بلد نیستم البته کاملاً سعی کردم که تراجم نادر و نایاب سانسکریت به فارسی را مشهور و معروف بگردانم. نیز همواره جستجوی نسخ خطی کمیاب فارسی کرده و آنها را در جاهای مختلف معروف ساختم. در آنها عناصر فارسی هندی مشخص شده است. غیر از این به وسیله شاگردان عزیز من تاریخ ادب فارسی هندی نوشته شده که بعضی از قسمت‌های آن به چاپ رسیده است.

بنابر اطلاع من در سال ۱۹۵۸ م مجله آهنگ به زبان فارسی در دهلی انتشار یافت و نظارت بر این مجله نیز به استاد عابدی تفویض شد. در همین سال استاد فعالیت ادبی خود را توسعه داد و به دعوت دانشگاه کابل به افغانستان رفت و ضمن دیدار از کتابخانه‌های افغانستان مطالبی درباره تاریخ ادبیات فارسی در هند از نسخ خطی گردآوری نمود. در ماه ژوئن ۱۹۶۹ م پروفیسور عابدی به دعوت وزارت فرهنگ و هنر ایران به تهران رفت و در این سفر بنیاد فرهنگ ایران چند جلد کتاب را که ایشان نوشته و تألیف کرده بودند، برای انتشار پذیرفت. در ماه اکتبر ۱۹۷۱ م پروفیسور عابدی مجدداً به ایران دعوت شد و در گنگره جهانی ایران شناسی که در شیراز برپا شده بود شرکت کرد. در سال ۱۹۷۴ م پروفیسور عابدی به دعوت دولت ترکیه از آن کشور دیدن کرد و این فرصت را غنیمت شمرده و مطالبی درباره تاریخ ادبیات فارسی در هند از نسخ خطی موجود در کتابخانه و موزه‌های مختلف آن کشور جمع‌آوری کرد. در این سفر ایشان در دانشگاه انکارا سخنرانی ایراد نمود.

استاد عابدی در کنفرانس گرایش‌های ادبی در آسیای مرکزی که در تهران برپا شد و به دعوت کمیسیون ملی ایران برای سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد در نخستین جشنواره طوس و جشن یادبود دقیقی که در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شده بود، شرکت کرد.

در سال ۱۹۷۵ م، پروفیسور عابدی به نمایندگی هند در سمینار امیر خسرو دهلوی، شاعر و نویسنده معروف فارسی در هند در سلسله سخنرانی‌های سالیانه یادبود خدابخش (بنیانگذار کتابخانه معروف خدابخش) در شهر پتنا سخنرانی مفصلی ایراد نمود و خدمات پرارزش آن مرحوم را یادآوری نمود. در سال ۱۹۷۶ م استاد عابدی به ریاست سمینار بین‌المللی امیر خسرو دهلوی که در دهلی‌نو برگزار شد، برگزیده شد. یک استاد مهمان ایرانی آقای توفیق هاشم‌پور سبحانی که با استاد عابدی ملاقات کرده، راجع به ایشان چنین ابراز نظر می‌کند:^۱

”من با استاد سید حسن عابدی از سال ۱۹۷۰ م با مطالعه کتاب جوگ بشست که با همکاری دکتر تاراچند فراهم کرده بود، آشنا شدم. بعدها که به‌عنوان استاد مهمان به دانشگاه جواهر لعل نهرو در دهلی‌نو به هندوستان رفتم، افتخار یافتیم تا از نزدیک با استاد عابدی آشنایی پیدا کردم. فروتنی استاد و فرشته‌خویی او سبب شد که آشنایی به‌دوستی، پدر فرزندی و برادری بدل شود. بر اثر مراد و اختلاط، استاد عابدی را هم یکی از آن بزرگ مردانی یافتیم که لحظه‌ای از عمر خود را هدر نمی‌دهند. من در مدت عمر فرهنگی خود، کمتر استادی نظیر دانشمند بزرگوار پروفیسور سید امیر حسن عابدی دیده‌ام که از خواندن، نوشتن، پرسیدن و پاسخ گفتن هرگز اظهار خستگی نکند. استاد عابدی با آنکه یکی از استادان بزرگ زبان و ادبیات فارسی است، در عین حال یکی از خستگی‌ناپذیرترین و کوشاترین دانشجویان زبان فارسی هم هست. استاد در کلاس‌هایی که سالانه تحت عنوان بازآموزی (از سوی خانه فرهنگ ایران) تشکیل می‌شد، سرکلاس حاضر بود. این حضور گذشته از آنکه علاقه شدید استاد را نشان

۱. سیمای عابدی، ص ب.پ.

می‌داد، درسی و الگویی بود برای استادان و استاد یارانی که در مراحل آغاز کار خود بودند^۱.

پروفسور دانشگاه دهلی خانم سیده بلقیس فاطمه حسینی دربارهٔ پروفسور عابدی می‌افزاید:^۱

”استاد گرانقدر علاوه بر تدریس در دانشگاه دهلی و تربیت دانش پژوهان بسیاری در دورهٔ دکتری، ریاست کمیتهٔ مطالعات فارسی و عربی در ادارهٔ کل آموزش و پرورش دورهٔ متوسطه دهلی را نیز عهده‌دار بود. محضویت در هیأت مشورتی مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فارسی دورهٔ کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) ایالت بیهار، هیأت مطالعات فارسی دانشگاه‌های بنارس، پتنا، گجرات، بهوپال، عثمانیه حیدرآباد، پنجاب، جامعهٔ ملیهٔ اسلامی، دهلی، و کمیتهٔ خرید و حفظ آثار هنری و ادبی موزهٔ ملی هند تنها بخش معدودی از مسئولیت‌های بی‌شمار استاد بشمار می‌رود. در سال ۱۹۶۵ م به ریاست جلسات بخش فارسی و عربی کنگرهٔ مستشرقان هند. منعقد در شهر گواهای واقع در ایالت آسام هند برگزیده شد و پس از آن به‌عنوان پژوهشگر برگزیدهٔ ادبیات فارسی هند و ایران از مؤسسهٔ علمی ادبی فخرالدین علی احمد مفتخر به دریافت جایزه و نشان یاد بود گردید. در تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۷۲ م همزمان با سالگرد استقلال هند، رئیس جمهور وقت کشور طی مراسمی به پاس خدمات علمی و ادبی استاد عابدی و نقش انکارناپذیر وی در گسترش زبان و ادب فارسی در هند، از او تقدیر به عمل آورد. سه سال بعد دولت هند با هدف قدردانی از خدمات استاد جایزهٔ ادبی ساهتیه کالا پریشد را به وی اختصاص داد. سرانجام این عالم بزرگوار در سال ۱۹۸۶ م با سمت استادی بازنشسته شد. اما دیری نپایید که دانشگاه دهلی او را به‌عنوان استاد ممتاز برگزید تا همچنان دانش پژوهان بتوانند از چشمهٔ جوشان علمی وی خود را سیراب سازند. استاد عابدی از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۷ م به مدت هفت سال ریاست انجمن استادان فارسی سراسر هند را نیز عهده‌دار بود. ناگفته نماند که

۱. سیمای عابدی، ص ج -خ.

انجمن استادان فارسی سراسر هند در سال ۱۹۹۶ م در سمینار بین‌المللی احمدآباد واقع در ایالت گجرات استاد را به لقب «بابای فارسی» مزین کرد. در سال ۲۰۰۲ م انجمن آثار و مواخر فرهنگی ایران با برگزاری مراسم بزرگداشت استاد عابدی در تهران با اهدای جوایزی ارزنده به خاطر خدمات پنجاه ساله استاد به زبان و ادب فارسی از وی قدردانی کرد.

همچنین چند سال پیش استاد عابدی برای خدمات شایانشان به زبان و ادبیات فارسی از طرف جمهوری اسلامی ایران به دریافت جایزه فارابی مفتخر شدند. استاد عاقبت در چهارم مه ۲۰۱۱ م بروز چهارشنبه، رخت هستی بر بستند و ما را با چشم گریان گذاشتند. وای استاد من عابدی! البته درس‌شان برای ما همیشه چراغ فروزان خواهد ماند.

استاد سید امیر حسن عابدی تمام عمر مشغول پژوهش ماندند و آثار گرانبهایی را بجا گذاشتند که از جمله مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. نمایشنامه ویکرم اوروشی، ترجمه از سانسکریت به زبان فارسی، دهلی‌نو، ۱۹۵۹ م.
۲. تصحیح متن نمایشنامه گلزار حال (طلوع قمر معرفت)، علیگر، ۱۹۶۱ م.
۳. تصحیح متن مثنویات فانی کشمیری، سرینگر، ۱۹۶۴ م.
۴. تصحیح متن یوگا واسیشتا (کتاب فلسفی هندویی) ترجمه از سانسکریت به فارسی، علیگر، ۱۹۶۸ م.
۵. تصحیح متن مثنوی سوز و گداز (سروده نوعی خیوشانی)، چاپ بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۹۷۰ م.
۶. تصحیح متن منتخب اللطائف، چاپ بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۹۷۱ م.
۷. تصحیح متن پدماوت (داستان عرفانی هندی)، چاپ بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۹۷۲ م.
۸. تصحیح متن کتاب تاریخ سلاطین صفویه، چاپ بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۹۷۳ م.
۹. تصحیح متن کتاب پنچاکیان، ترجمه از سانسکریت به فارسی، علیگر، ۱۹۷۳ م.
۱۰. ضمیمه تعلق‌نامه، انجمن هند و ایران، دهلی، دهلی، ۱۹۷۵ م.

۱۱. احوال و آثار ابوطالب کلیم کاشانی، دهلی، ۱۹۸۳ م.
 ۱۲. ادبیات فارسی هند (مجموعه مقالات تحقیقی به زبان اردو)، دهلی، ۱۹۷۴ م.
 ۱۳. مثنوی عصمت‌نامه یا داستان مینا و لورک، چاپ مرکز تحقیقات فارسی در دهلی‌نو، ۱۹۸۵ م.
 ۱۴. تصحیح دریای اسمار (ترجمه کتاسرت ساگر - بحرالاسمار) با همکاری دکتر تارا چند، از داستان‌های سانسکریت که به فارسی ترجمه شده از مصطفی خالقداد عباسی، چاپ دانشگاه اسلامی علیگر با همکاری مرکز تحقیقات فارسی ریزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو، ۱۹۹۷ م.
 ۱۵. تصوف در هند، (به زبان انگلیسی)، دهلی.
 ۱۶. مقدمه، تصحیح و تنقیح تاج‌المآثر، چاپ مرکز تحقیقات فارسی در دهلی‌نو، ۲۰۰۸ م.
- مقالات استاد سید امیر حسن عابدی در مجلات مختلف منتشر شده‌اند. البته در یک فهرست تمام مقالات پرارزش و قابل ارجاع استاد که در قند پارسی انتشار یافته‌اند، اینجا درج می‌شود تا برای علاقه‌مندان و پژوهشگران بسیار مفید فایده باشد:

عنوان مقاله	شماره‌های قند پارسی
۱. ابیات ناشناخته امیر معزی	۱، پائیز ۱۳۶۹ ه.ش.
۲. شاهنامه و هند	۲-۳، بهار ۱۳۷۰ ه.ش.
۳. نسخه خطی پرارزش دیوان هلالی	۵، زمستان ۱۳۷۱ ه.ش.
۴. دیوان عطارد	۶، زمستان ۱۳۷۲ ه.ش.
۵. یک نسخه پرارزش دیوان ظهوری	۷، بهار ۱۳۷۳ ه.ش.
۶. غزلیات و مقطعات و ابیات بازیافته	۸، پائیز ۱۳۷۳ ه.ش.
کمال خجندی	
۷. شرح قصاید خاقانی	۹، بهار ۱۳۷۴ ه.ش.
۸. غزلیات بازیافته ظهیر فاریابی	۱۰، زمستان ۱۳۷۴ ه.ش.
۹. دیوان حافظ: نسخه شاهان مغلیه	۱۱، زمستان ۱۳۷۵ ه.ش.
	ویژه‌نامه حافظ.

۱۰. غزلیات و رباعیات بازیافتهٔ فغانی ۱۲، پائیز ۱۳۷۶ ه.ش.
۱۱. شیخ علی حزین و هند ۱۳، بهار ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۲. طایر شیرازی ۱۴، زمستان ۱۳۷۹ ه.ش.
۱۳. یک نسخهٔ خطی دیوان ادیب صابر ترمذی ۱۴، همان.
۱۴. قدیم‌ترین نسخهٔ خطی تذکرةالاولیا ۱۵، تابستان ۱۳۸۰ ه.ش.
۱۵. یک نسخهٔ خطی مصوّر دیوان حافظ ۱۶، زمستان ۱۳۸۰ ه.ش.
۱۶. یک نسخهٔ خطی پُرارزش از کلیات عبید زاکانی ۱۷، بهار ۱۳۸۱ ه.ش.
۱۷. گلچین ارزشمند و تاکنون ناشناخته ادب پارسی در کتابخانه‌ها و موزه‌های هند ۱۸، تابستان ۱۳۸۱ ه.ش.
۱۸. یک نسخهٔ خطی پُرارزش از دیوان حافظ در مرکز تحقیقات فارسی، دهلی‌نو ۱۹، پائیز ۱۳۸۱ ه.ش.
۱۹. دو نسخهٔ خطی دیوان حافظ و نظیری ۲۰، زمستان ۱۳۸۱ ه.ش.
۲۰. غزلیات و رباعیات بازیافتهٔ ابن یمین ۲۱، بهار ۱۳۸۲ ه.ش.
۲۱. شرح گلستان ۲۲، تابستان ۱۳۸۲ ه.ش.
۲۲. یک نسخهٔ خطی پُرارزش دیوان خسرو ۲۳-۲۴، پائیز- زمستان ۱۳۸۲ ه.ش.
۲۳. مثنوی معنوی نولکشوری ۲۵-۲۶، بهار- تابستان ۱۳۸۳ ه.ش.
۲۴. شرح قصاید عرفی ۲۷، پائیز ۱۳۸۳ ه.ش.
۲۵. مطربی سمرقندی ۲۸، زمستان ۱۳۸۳ ه.ش.
۲۶. بیاض شیرافکن خان (ترجمهٔ حسن عباس)
۲۷. الهام قدسی ۳۱، پائیز ۱۳۸۴ ه.ش، «ویژهٔ مجموعهٔ مقالات همایش نقش ادبیات عرفانی فارسی در ایجاد اخوت جهانی»

۲۸. یک نسخه خطی پُرارزش دیوانِ نظیری نیشابوری
 ۳۲، زمستان ۱۳۸۴ ه.ش.
۲۹. نسخه تورانشاهی کلیات سعدی
 ۳۳-۳۴، بهار- تابستان ۱۳۸۵ ه.ش.
۳۰. طنز و مزاح در ادبیاتِ فارسی
 ۳۵، پاییز ۱۳۸۵ ه.ش، «طنز در ادب فارسی».
۳۱. گلدسته گلشن: مجموعه کلام الشعرا
 ۳۶-۳۷، بهار- تابستان ۱۳۸۶ ه.ش.
۳۲. مثنوی معنوی نولکشوری
 ۳۸، پائیز ۱۳۸۶ ه.ش، «ویژه بزرگداشت هشتصدمین سال تولد مولانا جلال‌الدین محمد بلخی رومی».
۳۳. بیدل و سبک هندی
 ۳۹-۴۰، زمستان ۱۳۸۶ - بهار ۱۳۸۷ ه.ش، «ویژه‌نامه میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی».
۳۴. برخی از منابع ناشناخته فارسی برای مطالعه تاریخ و فرهنگ ایران و هند
 ۴۱-۴۲، تابستان - پاییز ۱۳۸۷ ه.ش، «ویژه‌نامه نسخ خطی هند».
۳۵. فانی کشمیری
 ۴۷-۴۸، زمستان ۱۳۸۸- بهار ۱۳۸۹ ه.ش، «ویژه‌نامه کشمیر و میر سید علی همدانی».

کتابنامه

۱. استاد سید امیر حسن عابدی، گردآورنده سیده بلقیس فاطمه حسینی، سیمای عابدی، دانشگاه دهلی، ۲۰۰۴ م.
۲. نورالحسن انصاری و...، عابدی‌نامه، دانشگاه دهلی و انجمن فارسی دهلی، ۱۹۹۰ م.